

خواسته‌های نامحدود و امکانات محدود



در مجموع کابینه‌های افغانستان هر دو بعد مساله یعنی تخصصی و سیاسی چندان به بیراهه نرفته‌اند. اما اصل مهم بر سرمدیریت کلان بوده است. ضعف مدیریت کلان کشور از گذشته‌های دور قوه اجراییه را به مشکل رو به رو کرده است. در دوره آقای کرزی این گونه نبود که وزیران متخصص نبوده باشند. همه نام خدا تخصص داشتند ولی مشکلات شان جای دیگر بود. آقای کرزی به عنوان مدیر ارشد نمی توانست کارایی قویه اجراییه را از قوه به فعل آورد.

مشکله

پرونده قهرمان ملی بازگشایی می‌شود؟

● احمدولی مسعود، رییس عمومی بنیاد شهید احمدشاه مسعود



صفحه ۶

گفت‌وگوی چین و پاکستان درباره افغانستان

نواز شریف:

پکن را در خصوص افغانستان همکاری می‌کنیم



نواز شریف، نخست وزیر پاکستان به شی جینپینگ، رییس جمهوری چین گفت: اسلام آباد به مبارزات راسخ خود با تروریست‌های جنبش ترکستان شرقی ادامه می‌دهد. پاکستان...

ادامه صفحه ۶

خواهد کرد. به گزارش خبرگزاری رویترز، چین جنبش ترکستان شرقی را مقصر حملات منطقه سین‌کیانگ، محل سکونت مسلمانان اویغور می‌داند. چین تنها متحد بزرگ پاکستان، در منطقه مدت‌های طولانی از اسلام آباد خواسته تا شبه نظامیان منطقه سین‌کیانگ را که در یک منطقه قبیله‌بی بی‌قانون مخفی شده‌اند که محل سکونت گروه‌های مختلف شبه نظامی از جمله طالبان و القاعده نیز محسوب می‌شود، جدا کند.

در دو سال گذشته صدها تن در ناآرامی‌های منطقه سین‌کیانگ کشته شدند. فعالان می‌گویند، سلطه چین به مذهب و فرهنگ مردم اویغور دلیل اصلی ناآرامی‌ها است نه گروه‌های شبه نظامی سازمان یافته.

پاکستان به چین وعده سپرده است که همکاری خود را با پکن در خصوص افغانستان افزایش خواهد داد. نخست‌وزیر پاکستان روز شنبه در جریان نشست با رییس جمهوری چین گفت، اسلام آباد به پکن در خصوص افغانستان همکاری‌هایش را بیشتر می‌کند. این اظهارات پس از آن صورت می‌گیرد که اخیراً اشرف‌غنی رییس جمهوری افغانستان در سفرش به چین از پکن خواست که در راستای تأمین صلح در افغانستان همکاری کند.

چین به دولت افغانستان وعده سپرده است که از نفوذش بر اسلام‌آباد برای زمینه‌سازی در گفت‌وگوهای صلح استفاده خواهد کرد.

نخست وزیر پاکستان همچنان گفت که اسلام‌آباد پکن را در مبارزاتش با شبه نظامیان منطقه سین‌کیانگ کمک

شورای ملی:

عاملان ترور شهید کاظمی افشا شوند



رییس مجلس نماینده‌گان در مراسم سالروز شهادت سیدمصطفی کاظمی و پنج عضو دیگر مجلس اظهار داشت، شخصیت و نحوه شهادت کاظمی نقطه عطفی در تاریخ پارلمان کشور است. اعضای شورای ملی روز شنبه با فرا رسیدن سالروز شهادت سیدمصطفی کاظمی، وزیر تجارت و رییس کمیسیون اقتصاد مجلس و ۵ عضو دیگر پارلمان، روز شنبه مراسمی را برگزار می‌کنند.

عبدالرئوف ابراهیمی رییس پارلمان که یکی از سخنرانان در این مراسم بود، کاظمی را شخصی وطن‌دوست و خادم ملت دانست و تأکید کرد، وی در راستای انجام وظایف پارلمانی خود شخصی کم‌نظیر بوده است. ابراهیمی افزود: کاظمی در پارلمان خود را نماینده یک ولایت ندانسته و به تمام مشکلات ولایت‌های این کشور رسیده‌گی می‌کرد. به باور وی، در شهادت جانگداز کاظمی یک قوم و

ادامه صفحه ۶

دکتر غنی:

مشارکت زنان طی ۱۳ سال

گذشته قابل قبول نیست



رییس جمهور افغانستان در نشست مشترک با سفیر امریکا در کابل گفت: نقش و مشارکت زنان در ۱۳ سال گذشته قابل قبول نیست و باید تقویت شود.

محمد اشرف غنی، رییس جمهور افغانستان روز گذشته در یک نشست مشترک با جیمز کانینگهام سفیر امریکا در کابل به منظور...

ادامه صفحه ۶

در برگ‌ها



توانمندسازی زنان با کدام پول در کدام عرصه‌ها؟

اقتصاد
مکتب
اتریشی



بهترین رمان‌های زنده‌گی‌نامه‌یی در تاریخ ادبیات داستانی

۲۵ سال پس از سقوط دیوار برلین احتمال تشدید تنش‌ها



حلیمه حسینی

توانمندسازی زنان با کدام پول در کدام عرصه‌ها؟!



پول ها رد پای باندها و شبکه هایی را دنبال کنیم که به مافیایی در عرصه کمک های مالی به مقوله زنان در افغانستان مبدل شده اند و توانسته اند بیشترین سرمایه ها و کمک ها را جذب کنند. اولین آسیبی که شکل گرفتن این شبکه های قدرتمند می تواند در عرصه توانمندسازی و کار در عرصه ایجاد تغییر در زندگی زنان ایجاد کند این است که خرده اینجوها و یا موسسات و دفاتری که نه از حمایت سیاسی اشخاص و نه از حمایت مالی این باندهای مافیایی برخوردارند، هرگز نمی توانند شانس برای دریافت حتی بخش کوچکی از این کمک ها، پیدا کنند در حالی که می توانند با هزینه ای به مراتب کمتر، خدماتی برجسته تر را در این عرصه انجام دهند.

این روزها بحث کمک بزرگ چند صد میلیون دلاری ایالات متحده امریکا و دیگر کمک کنندگان به توانمند سازی بیش از هفتاد هزار زن افغانستان مطرح است. قطعا این هزینه و این پول می تواند وسوسه ای باشد برای کسانی که مهارت بالایی برای جلب و جذب این کمک ها به دست آورده اند. به نظر می رسد اگر دولت وحدت ملی و به خصوص وزارت امور زنان در افغانستان بخواهند به واقع این هزینه به تحولی درست و نه نمادین در وضعیت زنان کمک کند، ابتدا با یک واقع نگری و نیازسنجی برخاسته از واقعیت های موجود در جامعه اسلامی افغانستان، فرمولی که تا کنون در این عرصه مورد استفاده قرار گرفته را مورد تجدید نظر قرار داده و در نحوه کارشان بازنگری داشته باشند تا هم جایی برای نسل جوان و زنانی که متعهد و پایبند به خدمت هستند باز شود و هم این پول ها در موضوعات و بخش هایی مصرف شود که به واقع نیاز و اولویت های زندگی زنان مسلمان افغانستان است.

باید تمام کسانی که در این راستا می توانند نقشی تعیین کننده داشته باشند، به این واقعیت دقت داشته باشند که وقت آن رسیده که این هزینه از کانال هایی به مصرف برسد و اولویت هایی را مد نظر بگیرند که تحول آفرینی در زندگی زنان در جهتی مد نظر باشد که با اصول و ارزش های بنیادینی که قوام جامعه اسلامی ما بدان وابسته است را دچار آسیب یا چالش نکند. خانواده و حفظ این نهاد مقدس از جمله اولویت هایی است که باید در توانمندسازی زنان مورد حمایت جدی قرار بگیرد و زنان ما در کنار فراگرفتن مهارت های اقتصادی و سیاسی و اجتماعی، مهارت های زندگی را به قسمی بیاموزند و آگاهی کسب کنند که بتوانند کانون گرم خانواده را حفاظت کرده و با شناخت جایگاه حقیقی یک زن مسلمان، در عرصه های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی قدم بگذارند و بتوانند به توانمندی در عرصه تربیت نسلی سالم دست پیدا کنند.

اما وضعیت زنان تنها چیزی بوده که در این میان تغییر چندان شگرفی را به خود ندیده است. اگر بخواهیم وضعیت زنان افغانستان را مورد مطالعه قرار دهیم، باید خارج از کابل یعنی بیرون از مرزهای پایتخت و یا چند شهر بزرگ کشور را مورد ارزیابی قرار دهیم. باید ببینیم که در روستاها و شهرهای کوچک و قصبات و دهات ما وضعیت زنان تا چه پیمانته بهبود یافته است؟ چه میزان از این کمک های میلیون دلاری توانسته راهی پیدا کند که به این قصبات و روستاها رسیده و به واقع زندگی زن روستایی و ده نشینی را تغییر دهد که عمری است، بی سواد، تبعیض، عدم دسترسی به خدمات بهداشتی و ستم و ظلمی که عنعنات غلط و بی پایه ای که نه در عقل و نه در شرع جایگاهی دارد، بر کرده آن ها تحمیل کرده است، تا چه میزان توانسته اند، بر سرنوشت و زندگی خود حاکمیت پیدا کنند؟ این واقعیت را نمی توان انکار کرد که نام زن، و پرداختن به مقوله زنان و تحول بخشی به زندگی آنان به شکل گرفتن زد و بندهای کلانی انجامیده است که این کمک های میلیون دلاری و نوع تقسیم آن، موضوع اصلی این معاملات بوده است. امروز ما می توانیم در مصرف شدن این

وضعیت زنان افغانستان موضوع جنجالهای دوران حکومت طالبان بود و بعد از سقوط طالبان و پا گذاردن دموکراسی و دیگر گزاره هایی از این دست به افغانستان باز هم وضعیت زنان موضوعی جنجالی اما به گونه ای دیگر بوده است. بهبود بخشیدن به وضعیت زنان و متحول ساختن زندگی آن ها، همان هدفی بوده که دورنمای کاری بسیاری از پروژه های کلان را در این دیار به خود اختصاص داده است. به نام زن، به نام ارتقاء ظرفیت های کاری و توانمند سازی آنان، در طول بیش از یک دهه، میلیون ها دالر به مصرف رسیده است. اما اگر پرسیده شود این پول ها در کجا به مصرف رسیده اند و بازدهی آن ها چقدر بوده و چه مقدار تحول را ما در زندگی زنان افغانستانی شاهدیم؟ شاید کمتر پاسخی امیدوار کننده و یا شفاف بتوانیم از کسانی دریافت کنیم که بدون شک بخشی از این پول ها به حساب های بانکی آنها و یا به مصارف شخصی شان رسیده است. به نام زن، جیب بسیاری ها پر شد و از درک تحول بخشیدن به زندگی زنان مظلوم و ستم دیده افغانستان، زندگی خیلی ها متحول شد و بلند منزل ها ساخته شد و سفر های خارجی و گردش ها و عیش و نوش و کام دنیا به راه شد

سخن ماندگار

باز کردن پرونده های سیزده ساله در گرو دولت غنی و عبدالله

دیروز، رییس اجرایی دولت وحدت ملی، در مراسم گرامی داشت از هفتمین سالروز شهادت سید مصطفی کاظمی و یارانش، در کابل گفت که پرونده های ترور شخصیت هایی که طی چند سال گذشته به شهادت رسیده اند را مورد بررسی قرار میدهد.

رییس اجرایی دولت وحدت ملی گفت که بررسی این پرونده ها از کارهای دولت وحدت ملی است و اطمینان داد که به زودی پرونده های ترور این شخصیت ها به گونه جدی مورد بررسی قرار می گیرد. قتل های زنجیره ای شامل آن قتل هایی است که در ۱۳ سال گذشته صورت گرفته است. آغاز این قتل های زنجیره ای با ترور قهرمان ملی کشور صورت گرفت و تا کنون به شمول استاد برهان الدین ربانی رییس جمهور پیشین و سید مصطفی کاظمی نماینده پارلمان و از شخصیت های بارز سیاسی، تعدادی زیادی از فرماندهان دوران مقاومت به شهادت رسیده اند؛ اما پرونده این قتل ها با وجود تشکیل کمیسیون های متعدد، بدون بررسی های لازم به فراموشی سپرده شده اند و فقط در هر سالگرد این شهدا، یاد می شود.

شکی نیست که قتل های صورت گرفته زنجیره ای، در کنار پیچیده گی هایی که دارند از ساده گی های لازم هم برخوردارند؛ به گونه ای که این قتل ها ولو در بیرون از کشور برنامه ریزی شده باشند مجری آن کسانی اند که در داخل نهادهای امنیتی و سیاسی کشور به عنوان ستون پنجم عمل می کرده اند و می کنند؛ اما درمناظره در سیزده سال گذشته، چشم ها بر روی حقیقت ها بسته شده است و هیچ کس نخواست واقعیتی را ببیند که در روی پرونده قتل های زنجیره ای قرار داشته است.

دوران آقای کرزی، به گونه ای سپری شد؛ اما وعده های او در قسمت بررسی این پرونده ها عملی نشد و حتا ابهام هایی در این زمینه، در این مدت به وجود آمده است. حالا که دولت جدید زیر نام وحدت ملی سکان قدرت را به دست دارد، معلوم نیست که چه گونه به این مساله ها و پرونده ها رسیده گی می کند.

البته باتوجه به نوع ترورها و اهمیت مساله، پرونده های ترور قهرمان ملی، رییس جمهوری پیشین و رویدارد بغلان، باید از سوی سازمان های باصلاحیت در سطح بین المللی به بررسی گرفته شوند تا ابعاد آن سنجیده شده و همه چهره ها و حلقه هایی که در این توطیه ها شامل اند، شناسایی گردند. اما سایر این پرونده های قتل های زنجیره ای در کشور، به آن پیمانته پیچیده گی ندارند که دولت غنی و عبدالله در بررسی آن پیروز بدر نیاید.

از طرف دیگر، این مسوولیت اخلاقی و وجدانی آقای داکتر عبدالله است که به بررسی و روی دست گرفتن پرونده های شهادت کسانی بپردازد که هر کدام حقی به گردن او دارند؛ کسانی حق بزرگی و رهبری و کسانی هم حق دوستی و همسنگری.

به هر صورت، باگذشت هر روز، مسوولیت های آقای عبدالله در این خصوص بیشتر می شود و اگر بتواند در این زمینه دست آوردی داشته باشد، کاری بزرگی به نفع مردم و کشور انجام داده است. اما این همه در صورتی ممکن است که داکتر اشرف غنی احمدزی رییس دولت وحدت ملی، نیز تعهدی به بررسی شدن این پرونده ها داشته باشد و اگر چنین نباشد بررسی این پرونده ها ناممکن خواهد بود. به هر صورت، دولت غنی و عبدالله مسوولیت های کلانی به دوش دارد و بررسی قتل های زنجیره ای نیز یکی از مسوولیت های مهمی است که باید در دستور کار قرار گیرد؛ اما مهم درک این مساله است که سرنخ های برخی از این قتل ها از جمله قتل استاد برهان الدین ربانی، هویدا به نظر میرسد و قتل های دیگر که بسیار زیاد پیچیده گی هم ندارند. بنابر این، در دولت وحدت ملی در قدم اول آن کانال هایی خشکانده شود و آن ستون های را شکسته شود که می تواند ادامه قتل های زنجیره ای و هدف مند را سامان دهد و بعد اراده سیاسی و حقوقی برای بررسی پرونده های قتل های سیزده سال گذشته به شکل جدی به وجود آید.

چامسکی:

ناتو نیروی مداخله گر تحت کنترل امریکاست



نوآم چامسکی، زبان شناس و نظریه پرداز امریکایی معتقد است امریکا و نیروهای مداخله گر ناتو می توانند جنگ هسته ای به راه بیندازند.

نوآم چامسکی در مصاحبه با راشاتودی گفت: «ناتوی جدید» که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تأسیس شد، اساساً نیروی مداخله گر تحت کنترل امریکاست و عملیات کاملاً متفاوتی را با توجه به اصولش انجام می دهد.

وی افزود: در حقیقت ممکن است فردی این سوال را مطرح کند که چرا اصلاً ناتو باید همچنان وجود داشته باشد، توجیه رسمی برای وجود ناتو این بود که ناتو از اروپای غربی در برابر حمله احتمالی روس ها دفاع کند. با توجه به اینکه «تهدید روسیه» رفع شد نتیجه طبیعی در دهه ۹۰ این بود که ائتلاف ناتو منحل شود اما برعکس این اتفاق رخ داد. برخلاف تمام توافقات ناتو به سمت مرزهای روسیه گسترش یافت.

چامسکی گفت: عملیات ناتو تغییر کرد. عملیات رسمی ناتو به کنترل جامعه بین المللی، سیستم انرژی جهانی، خطوط لوله تبدیل شد. این به معنای کنترل جهان است. در بدترین سناریوی ممکن، بی ثباتی کنونی در جامعه بین الملل، خصوصاً تنش ها میان امریکا و روسیه که شبیه جنگ سرد جدیدی است، می تواند منجر به جنگ هسته ای شود و تمام طرف هایی که آن را ایجاد کردند حذف می شوند.

این نظریه پرداز امریکایی عنوان کرد: موارد بسیاری بوده است که مداخله انسانی از وقوع جنگ هسته ای جلوگیری کرده است. حال خصوصاً به دلیل بحران اوکراین و استقرار سیستم های دفاع موشکی در نزدیکی مرزهای روسیه، موقعیت خطرناکی ایجاد شده است.

با این حال چامسکی تأکید کرد: غرب نمی تواند روسیه را منزوی کند بلکه آن را به سمت شرق سوق می دهد. غرب با مقابله و تحریم سعی در منزوی کردن مسکو دارد اما به جای آن روسیه به سمت روابط با چین حرکت می کند. در این رابطه، روسیه طرف ضعیف تر خواهد بود و از رو سازش هایی می کند اما امریکا آشکارا یک سیستم قدرت ایجاد می کند که می تواند امریکا در جهان را نابود کند.

چامسکی افزود: اوج قدرت امریکا در جهان در سال ۱۹۴۵ بود اما در ۱۹۴۹ ضربات سختی به هژمونی جهانی امریکا وارد شد که همان استقلال چین بود. در تاریخ امریکا و غرب از آن به عنوان «فقدان چین» یاد می شود. تنها لحظه ای تفکر درباره این عبارت نشان می دهد که امریکا، چین را برای خود می دانست و این تفکر را داشت که جهان نیز به امریکا تعلق دارد.

نوآم چامسکی همچنین ائتلاف ضد داعش تحت رهبری امریکا را بی معنا خواند و گفت که غیرقانونی است.

وی معتقد است: اقدامات امریکا در خاورمیانه از جمله حمله به عراق، شرایطی را ایجاد کرد که داعش به وجود آورد. آنچه رخ داد این است که امریکا با پتک به عراق ضربه زد و یک ساختار دولتی ایجاد کرد که ماهیتاً فرقه گرا بود. تمام این ها در کنار یکدیگر درگیری های فرقه ای به راه انداخت که قبلاً وجود نداشت. از آن زمان تاکنون این درگیری ها گسترش یافته است و هم اکنون این منطقه را تکه تکه می کند سوریه یک نمونه آن است.

چامسکی تأکید کرد: برای حل کردن این هرج و مرج، امریکا بار دیگر تصمیم گرفت که بر خلاف قوانین بین المللی عمل کند و یک ائتلاف بین المللی تشکیل دهد که جدای از اینکه غیرقانونی است، بی معنا نیز هست. یک کشور مطیع قانون باید به شورای امنیت برود و با مطلع کردن آن بخواهد که این نهاد واکنشی مستقیم به این تهدید نشان دهد. پس از آن امریکا می تواند در آن شرکت کند؛ همین طور ایران که یک نیروی نظامی قوی است که بدون درنگ می تواند داعش را نابود کند اما این در صورتی است که اجازه دهیم وارد درگیری شود.

از سوی دیگر چامسکی درباره برنامه های جاسوسی امریکا گفت: کشورها در مقابل مداخله در امورشان از خود مقاومت نشان می دهند. جاسوسی امریکا متوقف نشده است و در حقیقت در حال گسترش است. این حمله ای مهم بر حقوق بشر بود. این کار در چین، انگلیس، روسیه و هیچ شکی نیست که در کشورهای دیگر نیز انجام شده است. کار آن ها هیچ پایانی ندارد و واکنش مردمی برای پایان دادن به این اقدامات لازم است.

۲۵ سال پس از سقوط دیوار برلین

احتمال تشدید تنش ها

این واقعه بزرگ در برلین آغاز شده است و آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان که خود در آلمان شرقی کمونیست بزرگ شده است، رهبری جشن های سه روزه را بر عهده دارد.

جشن بزرگی امروز (یکشنبه) در برلین به پا خواهد شد؛ مرکل در آستانه این جشن گفت: شما هرگز نمی توانید احساسات خود را در آن روزها از یاد ببرید؛ دست کم من نمی توانم چنین کاری کنم. من ۳۵ سال برای احساس آزادی صبر کردم و زندگی ام را تغییر دادم.

باراک اوباما، رئیس جمهور امریکا نیز در تویتر خود نوشت که هرگز احساس مردمی را که با خانواده هایشان و جهان آزاد متحد شدند را فراموش نمی کند. وی در این پیام آورده است: این دیوار متذکر آن است که ویدارهای بتونی و سیم خاردار در نهایت در برابر خواست و اراده مردان و زنان عادی برای زندگی آزاد دوام نمی آورد.

این فستیوال ها با عنوان «شجاعت برای آزادی» یادآور انقلاب صلح آمیزی است که موجب شده مقام های کمونیست آلمان شرقی سرانجام پس از ۲۸ سال مرزها را باز کنند و ساکنان شرقی که زندانی دولت خودشان بودند، آزاد شوند. سرانجام آلمان شرقی و غربی پس از یکسال در سوم اکتبر ۱۹۹۰ یکی شد.



آن ها اجازه دهد تا در هر جایی مداخله کنند. به نظر راشاتودی بحران اوکراین دلیل این بن بست نیست اما نقطه مرکزی در این رویارویی است و این توجیه را برای سیاستمداران به همراه می آورد که به صراحت بگویند که غرب و روسیه رقیب هستند. دیوار برلین در تاریخ نهم نوامبر ۱۹۸۹ فروپاشید و آلمان شرق و غرب متحد شدند. حال جشن های

جهان در حالی امروز (یکشنبه) بیست و پنجمین سالگرد فروپاشی دیوار برلین؛ مظهر جنگ سرد را جشن می گیرد که به سرعت به سمت یک رویارویی جدید در حال حرکت است.

میخائیل گورباچف، آخرین رهبر شوروی سابق که به عنوان میهمان ویژه در مراسم سالروز فروپاشی دیوار برلین شرکت خواهد کرد، گفت: ما فرصت هایی که پایان جنگ سرد پیش رویمان قرار داد را هدر دادیم. ابتدای آن بسیار خوب شروع شد اما برخی آن را دوست نداشتند.

در شرایطی که برلین برای بیست و پنجمین سالروز فروپاشی دیوار برلین در نهم نوامبر آماده می شود، برخی از کسانی که در این رویداد نقش ایفا کرده اند با حالتی مایوس در این باره سخن می گویند. بحران کنونی اوکراین که غرب را مقابل روسیه قرار داده است با تحولات ناتو و برگزاری مانورها در نزدیکی مرزهای روسیه تشدید می شود.

گورباچف در مصاحبه با اینترفاکس گفت: باور من این است که اوکراین تنها بهانه ای بود که امریکا بر روی آن دست بگذارد. روسیه روابط جدید را پذیرفته و ساختار جدید همکاری ایجاد کرده است. این مناسب خواهد بود اما همه در امریکا آن را دوست ندارند. آن ها طرح های دیگری در دست دارند؛ آن ها به شرایطی نیاز دارند که به

جوان ترین عضو مجلس نمایندگان ایالات متحده امریکا



انتخابات کنگره ایالات متحده امریکا (U.S. Midterm Elections) هفته گذشته برگزار شد و حزب جمهوری خواه با اکثریت آرا توانست اداره هر دو مجلس کنگره را بدست بگیرد. انتخابات میان دوره ای ایالات متحده که هر دو سال یکبار برگزار می شود و طی آن اعضای سنا، مجلس نمایندگان (House of Representatives) یا کنگره (Congress) و فرمانداران تعدادی از ایالت های این کشور برگزیده میشوند، با نامیدی به دموکراتان که ریاست جمهوری این کشور را بدست دارند، به پایان رسید. حزب دموکرات، از سال ۲۰۰۶ تا این دم اکثریت اعضای سنای ایالات متحده را تشکیل میدادند اما امسال در مقابل حزب جمهوری خواه تعداد آنها به ۴۳ عضو کاهش یافت و جمهوری خواهان ۵۳ کرسی این مجلس را از آن خود ساختند. در مجلس نمایندگان یا کنگره هم حزب جمهوری خواهان ۲۲۷ کرسی را برنده شدند، درحالی که حزب دموکرات توانستند فقط ۱۴۲ نماینده به این مجلس وارد نمایند. در عین حال، از جمله ۴۷ ایالت که در آن انتخابات میان دوره برگزار شد، فرمانداری ۲۶ ایالت را نامزدان حزب جمهوری خواه، و تنها ۱۳ ایالت دیگر را نیز نمایندگان حزب دموکرات برنده شدند و در یک ایالت دیگر هم یک نامزد مستقل فرماندار شد. جالب ترین خبر این انتخابات اینست که یک دختر ۱۸ ساله توانست درین انتخابات شرکت نموده رقیب خود را با کسب بیشتر از ۶۳ درصد آرا شکست بدهد و جوانترین نماینده مجلس قانونگذار ایالات متحده شود. سایره بلیر، دانشجوی سال اول دانشگاه ویست ویرجینیا، که بیشتر فعالیت های انتخاباتی خود را از اتاق خوابگاه خود انجام میداد، با کسب ۶۳ درصد آرا به عنوان جوانترین نماینده حزب جمهوری خواه از واشنگتن دی سی، وارد مجلس سنای ایالات متحده میشود. حریف وی از حزب دموکرات توانست فقط ۳۰ درصد آرا را از آن خود نماید و ۷ درصد متباقی را نیز یک نامزد مستقل برنده شد. او پس از پیروزی در بیانیه ای از خانواده و حامیان و همچنان مخالفان خود تشکری نمود که تا این دم رقابت مثبت نمودند و گفت: «ویست ویرجینیا امروز تاریخ را رقم زد، و در حالی که ما با آنچه تا این دم انجام دادیم، افتخار میکنم، نخستین و یگانه تمرکز من بر بهبود آینده این ایالت خواهد بود.»

پوتین:

عشق تمام معنای زندگیست

رئیس جمهوری روسیه که به عشق به تاریخ و ژئوپولیتیک مشهور است، در سخنرانی خود در «انجمن جغرافیایی روسیه» ابعاد جدیدی از شخصیتش را فاش کرد و درباره فلسفه اش از عشق به قدرت توضیحاتی ارائه داد.

به نوشته روزنامه نیویورک تایمز، ولادیمیر پوتین، رئیس جمهوری روسیه گفت: معنای کل زندگی و وجود ما عشق است؛ عشق به خانواده، عشق به کودکان و عشق به سرزمین مادری. این پدیده ای پیچیده است که در قلب هر رفتار نهان است. امیدوارم که اقداماتم عشق به سرزمین مادری را تحکیم بخشد.

وی افزود: دقیقاً این اولویتی است که تمام ما باید به دنبال آن برویم و من اطمینان دارم که موفق خواهیم شد. نیویورک تایمز نوشته است: سخنان پوتین بسیار حسرت بار به نظر می رسد چرا که وی بیش از سی سال متاهل بود و شایعاتی درباره روابطش با معشوقه ای جوان زمانی بار دیگر به گوش رسید که وی از همسرش جدا شد.

تفکرات پوتین درباره عشق با خبر دیگری از وی همراه شد. مجله امریکایی ادوکیوت (Advocate) رئیس جمهوری روسیه را به عنوان «شخص سال» معرفی کرد. با این حال منتقدان همواره دولت روسیه را به نادیده گرفتن خشونت و تبعیض علیه همجنس گرایان متهم می کنند.

رئیس جمهوری روسیه با رد این اتهامات در جمع خبرنگاران گفت که وی شخصاً دوستان هم جنس گرا دارد و به حامیان روسی «التون جان» اشاره کرد.



منبع: وال ستریت ژورنال (<http://goo.gl/cxdDMr>)

بخش نخست

دانشگاه موفقیت دو کار آفرین

وهیلیو فر معروف

کلنول هارندز ساندرز

مردی که عنوان نخستین نامزد انتخاباتی دنیای فست‌فود را از آن خود کرد، نه یک دوره بلکه دو دوره بی‌خانمان بوده است. او زمانی که کودک بود، پس از مجادله با ناپدری خود خانه را ترک کرد و شب‌ها را در مزرعه می‌خوابید تا این‌که به عنوان یک سرآشپز حرفه‌یی در تهیه دستورالعمل پخت مرغ کنتاکی مشهور شد.

او حتا زمانی که خوش‌مزه‌ترین دستور پخت مرغ را در دست داشت، در پشت اتوبوس اسقاطی می‌خوابید تا این‌که به شمال آمریکا سفر کرد تا مردم را متقاعد کند و بعد از آن راهی در بین مشتریانش باز کرد. نام تجاری‌یی که او در سال ۱۹۶۴ میلادی به نام «کی اف سی» تأسیس کرد، یک شاهکار و تاکتیک چشم‌گیر در دنیای فست‌فود بود. کلنول ساندرز رستوران‌های زنجیره‌یی مرغ سرخ‌شده کنتاکی را در سن ۶۶ سالگی تأسیس کرد و با استانداردهای بالا و درخشان به عنوان یک نوآور در صنعت مواد غذایی فست‌فود مطرح شد.

پدر او قصاب بود و او در سن ۵ سالگی پدرش را از دست داده و از خواهر خود آشپزی را یاد گرفت. در سن ۱۰ سالگی برای کار وارد مزرعه شد و از آن‌جا که خانواده بسیار فقیری داشت، ناچار شد مدرسه را در کلاس ششم رها کند. مادر برای بهبود وضعیت اقتصادی با یک مرد کشاورز ازدواج کرد. وقتی ساندرز ۱۲ ساله بود، با ناپدری خود دچار کشمکش شد و بعد از یک سال به شهرستان کلارک ایندیانا رفت. ساندرز در ایندیانا هیچ جا و مکانی برای زنده‌گی نداشت و با



دستمزد ۱۵ دلار در ماه به عنوان کارگر در مزرعه زنده‌گی می‌کرد. گفته می‌شود ساندرز شب‌ها را در کوچه‌های اطراف روستا یا در مزرعه می‌خوابید.

در سال ۱۹۲۹ میلادی به کرین نقل مکان کرد و در کوهپایه‌های آپالچی نزدیکی یک پمپ بنزین مرکز کنتاک را ایجاد کرد و به گردش‌گران مرغ کنتاکی فروخت. رستوران او از یک میز و شش چوکی و چند ماهی‌تابه تشکیل شده بود. او در آن زمان در حالی که روی چوکی رستورانیت سیار خود می‌خوابید، روز به روز به اعتبارش می‌افزود.

کلنول هارندز ساندرز در سال ۱۹۴۹ میلادی توسط معاون فرماندار تشویق شد و به عنوان یک سرآشپز حرفه‌یی کار خود را آغاز کرد و این پایان بی‌خانمانی او بود.

بخش نخست



نخواهیم دانست که آیا منافع بیشینه شده و یا هزینه‌ها کمینه شده یا خیر. تأکید اصلی در این مکتب بر فرایندی است که یک عامل اقتصادی فعال در بازار برای کسب اطلاعات و شکل بخشیدن به انتظارات خود در پیش می‌گیرد تا به نظر خودش به بهترین راه‌حل برسد. بشر و اهداف و طرح‌های او، آغاز هر بررسی اقتصادی است. انتخاب به صورت فردی انجام می‌گیرد و انتخاب اشتراکی وجود ندارد. هدف اساسی بررسی اقتصادی این است که پدیده‌های اقتصادی را با استوار کردن بر اهداف و طرح‌های فردی قابل فهمیدن کند. هدف بعدی یک بررسی اقتصادی بررسی پی‌آمدهای تصادفی انتخاب‌های فردی است. عمده‌ترین مشکل اقتصادی که افراد از نظر این مکتب با آن روبه‌رو می‌شوند این است که چگونه طرح‌ها و انتظارات خود را با طرح‌ها و انتظارات دیگران هم‌خوان کنند. به عنوان نمونه، اگر شما برای خرید یک کالای خاص به بازار می‌روید، مشکل اساسی این است که چرا این کالای خاص در بازار هست که خریداری شود.

در جهانی که در آن بی‌اطمینانی وجود دارد، هم‌خوان کردن این طرح‌ها عمده‌ترین موضوع بررسی در مکتب اقتصادی اتریش است. اقتصاددانان مکتب اتریشی از زبان ریاضیات برای بیان دیدگاه‌های خود استفاده نمی‌کنند، چون معتقدند پیچیده‌گی فعالیت‌ها و رفتارهای بشر بیشتر از آن است که به این زبان قابل بیان باشد. به اعتقاد معتقدان به مکتب اتریش، وقتی افراد دست به عمل می‌زنند تغییر صورت می‌گیرد و مناسبات کمی که به زبان ریاضی بیان می‌شود مربوط به موقعی است که تغییری صورت نمی‌گیرد. زبان ریاضی از نظر مکتب اتریش، تنها برای بیان آن‌چه که اتفاق افتاده مفید است، نه آن‌چه که ممکن است اتفاق بیفتد.

۲- روش‌شناسی سوژکتیو - ذهنی (۳)
فعالیت‌ها و انتخاب‌های فردی بر اساس یک نظام ارزشی است که تنها برای افراد به‌صورت فردی شناخته شده است. ارزش‌گذاری سوژکتیو یا ذهنی کلاهاست که از دید این مکتب اقتصادی، ارزش اقتصادی‌شان را معین می‌کند. همانند دیگر اقتصاددانان، معتقدان مکتب اتریشی درباره ارزش‌گذاری ذهنی فردی قضاوت نمی‌کنند یا به آن انتقاد ندارند، بلکه از نظر آن‌ها این در واقع ارزشی است که هست و وجود دارد. برعکس دیگر اقتصاددانان، آن‌ها هرگز سعی نمی‌کنند این نوع ارزش‌گذاری را به زبان ریاضیات بیان کنند. این نظر که ارزش‌گذاری، طرح‌ها و انتظارات و درک از واقعیت همه ذهنی است، موجب می‌شود که تأکید اساسی در این مکتب بر فرایند و تغییر باشد و کارآمدی اقتصادی در این مکتب، وارسیدن این تغییرات دائمی است.

فردگرایی و مخالفت با مداخلات اقتصادی بخش عمومی - دولت.

از سال‌های دهه ۱۹۳۰ به این‌سو، هیچ‌یک از پژوهشگران دانشگاه وین، نقش برجسته‌یی در پیشبرد اقتصاد مکتب اتریشی نداشتند. از این زمان به بعد، مکتب اتریشی به انگلیس - مدرسه اقتصاد لندن - و آمریکا - دانشگاه نیویارک - منتقل شد. بسیاری از عقاید نماینده‌گان برجسته این مکتب اقتصادی، به‌طور مشخص، فون هایک و لودویگ فون میزس، ریشه در عقاید اقتصادی بزرگانی چون آدام اسمیت و دیوید هیوم و اقتصاددانان اوایل قرن بیستم چون نات ویکسل داشت. به احتمال زیاد می‌توان ادعا کرد که مؤثرترین و سخت‌کوش‌ترین مدافع این مکتب اقتصادی، لودویگ فون میزس (۱۸۸۱-۱۹۷۳) اتریشی بود. دو تن از دانشجویان منگر، اوزین فون بوهم باورک و فردریک فون وایزر هم در پیشبرد دیدگاه‌های منگر نقش مؤثری داشته‌اند. اوزین فون بوهم باورک، نگرش منگر را در بررسی نرخ بهره و سرمایه به‌کار برد و از «ارجحیت زمانی» سخن گفت. انسان ترجیح می‌دهد آن‌چه لازم دارد را به‌جای آینده، اکنون داشته باشد و به همین خاطر حاضر است وام بگیرد و بهره پردازد تا بتواند چنین کاری را انجام بدهد. کسانی که بخشی از پول خود را به صورت وام به دیگری می‌دهند، آن‌ها هم به خاطر تأخیر انداختن مصرف خود، خواهان دریافت بهره هستند. فردریک فون وایزر، همین نگرش را برای بررسی هزینه به‌کار گرفت. هزینه در اقتصاد مکتب اتریش، هزینه فرصت است. یعنی آن‌چه اهمیت دارد، فرصت‌های از دست رفته است.

در دهه‌های اولیه قرن بیستم، لودویگ فون میزس و فردریک هایک با پژوهش‌های خود درباره ادوار تجاری و در نقد اقتصاد سوسیالیستی این سنت را ادامه دادند. از دید هایک - میزس رکود به‌خاطر تزریق اعتبار پیش می‌آید. وقتی وام‌ستانی ارزان‌تر می‌شود، کارآفرینان در تولید بیش‌تر سرمایه‌گذاری می‌کنند و مصرف‌کننده‌گان هم بیش‌تر خرید می‌کنند. همین که مشکلی در میزان اعتبار و یا در هزینه وام پیش می‌آید، این الگو به مخاطره می‌افتد. در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ شاهد نزول این مکتب اقتصادی بودیم، ولی در ۱۹۷۴ با اعطای جایزه اقتصاد نوبل به هایک افول اقتصاد کینزی و چیره‌گی تدریجی دیدگاه‌های نولیبرالی اقتصادی این مکتب به مقدار زیادی احیا شد. می‌توان اقتصاد مکتب اتریشی را چنین خلاصه کرد:

۱- روش‌شناسی فردگرایانه

اقتصاد در مکتب اتریشی یعنی بررسی فعالیت‌های هدفمند بشر در کلی‌ترین شکل خود. چون فعالیت اقتصادی از فرد سر می‌زند، موضوع بررسی مسایل اقتصادی در این مکتب هم همیشه فرد است. از نظر اقتصاددانان مکتب اتریشی، هیچ وقت

اقتصاد مکتب اتریشی

احمد سیف

دیدگاه اقتصادی مکتب اتریشی را می‌توان چنین خلاصه کرد: «حذف هرگونه نفوذ و کنترل دولت بر سر عرضه پول و در واقع همه اجزای نظام اقتصادی؛ تنها با این کار به بازار آزاد «واقعی» می‌رسیم». اگرچه ادعا می‌شود که مکتب اتریش از قرن ۱۵ تاکنون حضور داشته است (۱) ولی احتمالاً این مکتب اقتصادی با انتشار کتاب «اصول اقتصاد» کارل منگر در ۱۸۷۱ آغاز شد. در این نگرش، مهم این است که مکتب اتریشی از سویی انتقادی است از مکتب تاریخی آلمان که می‌گفت اقتصاد هم مثل تاریخ است. یعنی همان‌گونه که در تاریخ حوادثی رخ می‌دهد که تکرار نمی‌شود، در اقتصاد هم وضع به همین صورت است و در نتیجه قوانین عمومی اقتصاد وجود ندارد. ولی برخلاف مکتب تاریخی آلمان، اقتصاددانان کلاسیک انگلیسی اعتقاد داشتند که می‌توان قوانین عمومی اقتصاد را کشف کرد. از سوی دیگر، منگر اگرچه با کلاسیک‌ها همراه بود که برای اقتصاد هم قوانین عمومی وجود دارد، ولی به مکتب تاریخی آلمانی هم انتقاد داشت که «اقتصاد را به صورت انباشت داده‌های آماری در خدمت دولت» می‌دیدند (۲). به گمان منگر در هر آن میلیون‌ها انسان انتخاب می‌کنند و این انتخاب‌های فردی اساس پدیده‌های اقتصادی هم‌چون عرضه، تقاضا، بازار را می‌سازند. اقتصاد در این مکتب نه درباره پدیده‌های عینی طبیعی، بلکه درباره پدیده‌های ذهنی انسانی است. در این کتاب، منگر مدعی می‌شود بررسی مسایل اقتصادی، خصلتی همه‌جایی دارد و واحد مناسب بررسی هم بشر - فرد - و انتخاب‌های اوست. این انتخاب‌ها با ارجحیت غیرعینی - ذهنی - افراد صورت می‌گیرد. به این ترتیب، مکتب اتریشی را با دو خصلت عمده می‌توان مشخص کرد:

رمان، یکی از گونه‌های جا افتاده است که شاهکارهای گوناگونی بدین سبک و سیاق نوشته شده‌اند. اما در نزد فارسی‌زبان‌ها - با توجه به موانع موجود و اکراهی که در ذهنیت سنتی اغلب ما برای پوشیده نگاه داشتن زنده‌گی شخصی وجود دارد - عنایت چندانی به این گونه نشده است. آن‌چه در ادامه می‌خوانید، نگاهی دارد به شاخص‌ترین رمان‌هایی که در این گونه نوشته شده‌اند.

«هیچ وقت به زنده‌گی‌نامه خوبی از یک داستان‌نویس خوب برنخورده‌ام. چنین چیزی ممکن نیست. نویسنده اگر نویسنده خوبی باشد، چندین نفر است.»

این باور غیرقابل انکار «اسکات فیتزجرالد» درباره آثار زنده‌گی‌نامه‌ی است، اما همه می‌دانیم که گاه وسوسه دانستن درباره زنده‌گی آفریننده‌گان آثار ادبی آن‌قدر مقاومت‌ناپذیر است که خواننده‌گان پا را فراتر از مطالعه کتاب‌های داستانی می‌گذارند و با واقعیت زنده‌گی شخصیت‌های محبوب‌شان رویه‌رو می‌شوند.

رمان‌های زنده‌گی‌نامه‌ی از آن دسته کتاب‌ها محسوب می‌شوند که عموماً بین دو ژانر قرار گرفته و جذابیت‌های هر دو را در بر دارند. رمان‌ها احساسات مردم را درگیر می‌کنند، اما شرح حال‌ها واقعیاتی خوانندگی درباره زنده‌گی را به آن‌ها عرضه می‌کنند. حال اگر جنبه دراماتیک داستان‌ها را کنار جزئیات زنده‌گی نویسنده‌گان صاحب‌نام بگذاریم که از زبان خودشان هم نقل می‌شوند، می‌توانیم به راز محبوبیت این ژانر پی ببریم.

زنده‌گی‌نامه‌های خودنوشت، دریچه‌ی هستند رو به دنیای ذهنی نویسنده‌گان؛ نویسنده‌گانی که برای روایت رخداد‌های زنده‌گی خود، قلم به دست گرفته‌اند. خواننده‌گان از طریق این کتاب‌ها به باورها، درگیری‌های درونی و دیدگاه‌های نویسنده‌گان محبوب‌شان پی می‌برند و می‌توانند به دنیایی فراتر از مخلوقات جوهری آن‌ها دست پیدا کنند.

در گزارش پیش رو به بهترین رمان‌های زنده‌گی‌نامه‌ی که بیش از سایر آثار مورد توجه قرار گرفته‌اند، می‌پردازیم.

«حباب شیشه‌ی» / سیلویا پلات

«... زنده‌گی‌ام را دیدم که جلوی چشمم، مثل درخت سبز انجیر آن داستان، شاخه می‌دهد و از سر هر شاخه، مثل یک انجیر درشت بنفش، آینده درخشانی به من علامت می‌داد و چشمک می‌زد... خودم را می‌دیدم که پای این درخت نشسته‌ام و از گرسنه‌گی در حال مرگم، چون نمی‌توانم تصمیم بگیرم کدام انجیر را می‌خواهم. تک‌تک و همه انجیرها را می‌خواستم، اما انتخاب یکی به معنی از دست دادن بقیه بود، و همان‌طور که من ناتوان از انتخاب آن‌جا نشسته بودم، انجیرها شروع به پژمرده و سیاه شدن کردند و یکی یکی پیش پای من به زمین افتادند...»

این‌ها بخشی از کتاب «حباب شیشه‌ی» زنده‌گی‌نامه خودنوشت «سیلویا پلات» شاعر، رمان‌نویس، نویسنده داستان‌های کوتاه، و مقاله‌نویس آمریکایی و همسر «تد هیوز» دیگر شاعر سرشناس قرن بیستم است. وی بیشتر شهرت خود را وام‌دار اشعارش است، اما کتاب «حباب شیشه‌ی» پلات بر مبنای زنده‌گی وی و کشمکش‌هایش با بیماری افسرده‌گی، نوشته شده است. به گفته یک منتقد انگلیسی، این «اولین رمان زنانه در فضایی سالینجری» است. فضای سالینجری به‌ویژه در فصل‌های اولیه کتاب، پیش از حد شدن وضع روحی استر، کاملاً محسوس است.

«می‌دانم چرا پرنده‌گان محبوس آواز نمی‌خوانند» / مایا آنجلو

«مایا آنجلو» شاعر، مورخ، نویسنده، بازیگر، نمایشنامه‌نویس، تهیه‌کننده، کارگردان و فعال حقوق بشر متولد ۴ اپریل ۱۹۲۸ در سن‌لویس آمریکاست. یکی از منتقدان ادبی وی را «صریح‌ترین زن شرح‌حال‌نویس آمریکا» خوانده است، چرا که مایا به خاطر کتاب هفت‌جلدی‌اش که شامل زنده‌گی‌نامه خود از کودکی تا بزرگسالی است، بسیار شهرت دارد.

آنجلو از جمله اولین زنان سیاه‌پوست است که با رمان «می‌دانم چرا پرنده محبوس آواز می‌خواند» در فهرست پرفروش‌ترین نویسنده‌گان زمان خود قرار گرفت. اولین کتاب این هفت‌جلدی تاریخچه‌ی زنده‌گی وی از سن ۱۶ سالگی تا تولد پسرش را حکایت می‌کند.

این نویسنده به زبان‌های فرانسوی، اسپانیولی، ایتالیایی و افریقایی صحبت می‌کند و زمانی که با یک مبارز آزادی‌خواه اهل افریقای جنوبی ازدواج کرد و به قاهره رفت، سردبیر تنها هفته‌نامه خبری انگلیسی‌زبان در خاورمیانه شد. نامزدی جایزه پولیتزر و جایزه کتاب ملی، تنها بخشی از موفقیت‌های مایا آنجلو رنگین‌پوست محسوب می‌شود.

«امپراتوری خورشید» / جی. جی. بلارد

«... جنگ واقعی آن چیزهایی بود که خودش از اشغال چین به دست جاپانی‌ها در ۱۹۳۷ دیده بود، جنگ واقعی رزمگاه‌های قدیمی هونگ جانو و لونگ هوا بود که هر بهار استخوان مرده‌گان دوباره در شالیزارها سبز می‌شدند و به سطح آب می‌آمدند، جنگ واقعی هزاران پناهنده چینی بود که انبوه انبوه در جان‌پناه‌های چوبی پوتونگ از ویا می‌مردند، جنگ واقعی سرهای غرقه به خون سربازان کمونیست بود که در سراسر بند چینایی‌ها بر سر نیزه زده بودند. در جنگ واقعی کسی نمی‌داند طرف کیست، و نه پرچمی در کار است، نه گوینده‌ی، نه برنده‌ی. در جنگ واقعی دشمنی در میانه نیست...»

کتاب «امپراتوری خورشید» شرح چند سال از زنده‌گی «جیمز گراهام بلارد»، رمان‌نویس انگلیسی در زمان کودکی و نوجوانی است که در زمان جنگ جهانی دوم در اردوگاه جاپانی‌ها در چین سپری شده است. «جیم» که بعدها

شاهکاری چون «تصادف» را خلق می‌کند، فرزند یکی از خانواده‌های ثروتمند انگلیسی بوده که در چین در ناز و نعمت زنده‌گی می‌کرده است. جنگ او را از پدر و مادرش جدا می‌کند و «جیم» ۱۱ ساله به تنهایی دوران سختی را در اردوگاه‌های جنگی پشت سر می‌گذارد.

«در جست‌وجوی زمان از دست‌رفته» / مارسل پروست شاهکار «مارسل پروست» فرانسوی در هفت جلد نوشته شده که هر یک نامی مستقل دارند. این اثر زنده‌گی‌نامه‌ی تحلیل عمیق ادبی، هنری، فلسفی و اجتماعی از جامعه فرانسوی در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ میلادی ارائه می‌دهد. نحوه استفاده مارسل پروست از زبان فرانسوی و جمله‌سازی او که شکلی بدیع و نو در ادبیات فرانسوی بود، «در جست‌وجوی زمان از دست‌رفته» را به کلی از سایر آثار ادبی معاصرش متمایز می‌کند.

پروست نوشتن زنده‌گی‌نامه ادبی‌اش را از سال ۱۹۰۹ آغاز کرد و تا زمان وخامت بیماری‌اش در پاییز ۱۹۲۲ به نوشتن آن ادامه داد. این نویسنده بزرگ که از چاپ کتابش توسط ناشران معتبر آن زمان ناامید شد، به ناچار مبلغی را پرداخت کرد تا اثرش را منتشر کنند. «در جست‌وجوی زمان از دست‌رفته» بین سال‌های ۱۹۱۳ تا ۱۹۲۷ در فرانسه به چاپ رسید. تأثیر شاهکار ماندگار پروست بر رمان‌های قرن بیستمی کاملاً مشهود است. «ادموند وایت» این مجموعه

رمان شبه‌زنده‌گی‌نامه «جیمز جویس» در سال ۱۹۱۶ منتشر شد. این داستان که ماجراهای پسری را از ۲ تا ۲۰ ساله‌گی بیان می‌کند بسیار پیچیده است و در آن به مویف‌هایی از قبیل ایرلند، انسان، کودک، ترس و خدا پرداخته شده است. جویس در کنار «ویرجینیا وولف» از اولین کسانی بودند که به شیوه جریان سیال ذهن قلم زدند.

برخی منتقدان معتقدند، این رمان مقدمه داستان «اولیس» شاهکار جیمز جویس است. این اثر به نوعی خودزنده‌گی‌نامه او محسوب می‌شود. «پرتره مرد هنرمند در جوانی» به طرز حیرت‌آوری به سبک تکاملی به نگارش درآمده است، این بدین معناست که رمان جویس با یک داستان کودکانه و از زبان یک کودک آغاز می‌شود و با فصلی به اتمام می‌رسد که در آن شخصیت اصلی یعنی «استیون ددالوس» به تصمیم نهایی خود در زنده‌گی می‌رسد.

«شهر و ولایت» و «ولگردی‌های دارما» / جک کرواک «جک کرواک»، رمان‌نویس و شاعر آمریکایی تبار بود که در ۱۲ مارچ ۱۹۲۲ در ماساچوست به دنیا آمد. وی به خاطر فی‌البداهه‌نویسی شهرت بسیار داشت. در این فهرست، نام او به‌خاطر دو رمان «شهر و ولایت» و «ولگردی‌های دارما» تداعی می‌شود.

کرواک برخلاف اولین رمانش «شهر و ولایت» (۱۹۵۰) که عامه‌فهم‌تر بود، رمان «در جاده» را به سبک فی‌البداهه‌گویی

به حساب می‌آید. میلر در دهه ۶۰ به یکی از پُرخواننده‌ترین نویسندگان آمریکا بدل شد. تصویری که خواننده‌گان آثار «میلر» از نویسنده در ذهن داشتند، یک آمریکایی بی‌پول ولی آزاده بود که روابط بسیار دارد و زنده‌گی‌اش در رفت‌وآمد بین پاریس و نیویورک می‌گذرد.

«پسران و عشاق» / دی. اچ. لارنس

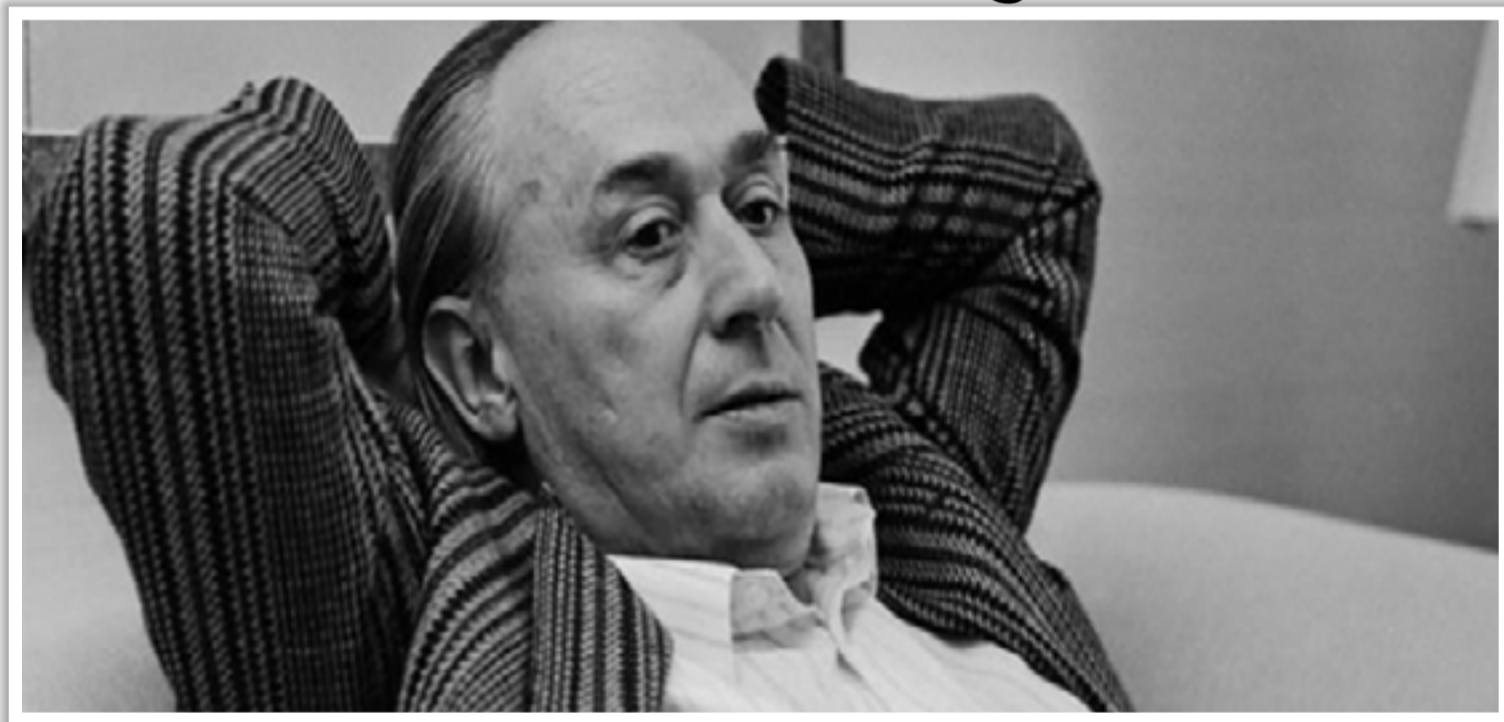
«دیوید هربرت لارنس» که شاعر، نقاش، مقاله، نمایش‌نامه و رمان‌نویس سرشناس انگلیسی بود، رمان زنده‌گی‌نامه‌ی خود را با عنوان «پسران و عشاق» در سال ۱۹۱۳ روانه بازار کتاب کرد. «پسران و عشاق» تصویری واقعی از طبقه کارگر جامعه شهرستانی انگلیس آن زمان را ارائه می‌دهد.

«اداره پست» / چارلز بوکفسکی

نوشته‌های بوکفسکی، شاعر و رمان‌نویس آمریکایی به‌شدت تحت تأثیر فضای شهر لس‌آنجلس است که در آن زنده‌گی می‌کرد. از او اغلب به عنوان نویسنده‌ی تأثیرگذار نام برده می‌شود که سبکش بارها مورد تقلید قرار گرفته است. این نویسنده پُرکار، هزاران قطعه شعر، صدها داستان کوتاه، شش رمان و بیش از ۵۰ کتاب به چاپ رسانده است.

در نقدی که درباره این اثر زنده‌گی‌نامه‌ی نوشته شده، آمده است: «اداره پست» بوکفسکی آغاز نویسنده‌گی یکی از نوایغ ادبیات آمریکا بود. رمانی که با آن بوکفسکی سبک خاص خود را شروع کرد و هنوز هم به اعتقاد من بهترین رمانی

بهترین رمان‌های زنده‌گی‌نامه‌ی در تاریخ ادبیات داستانی



است که از او به چاپ رسیده است و با این‌که تم داستانی ندارد و همان فضای اتوبیوگرافیک‌وار بر آن حاکم است، اما عجیب است که زیباترین اثرش است. «اداره پست»، عقده‌گشایی روحی رنج‌دیده و ناآرام است که سال‌ها تن به هر کاری داده تا زنده بماند و همین او را از علایقش دور کرده است.

«سرعت» / ویلیام اس. بورو

«ویلیام سوارد بورو دوم»، داستان‌نویس، مقاله‌نویس و منتقد اجتماعی آمریکایی است. او نوه «ویلیام بورو اول» و پدر «ویلیام بورو سوم» است. بخش عمده‌ی از آثار او شرح‌حال‌گونه‌هایی از تجربیاتش در اعتیاد به مواد افیونی هستند که در ۵۰ سال پایانی عمر او به نگارش درآمده‌اند. «گوشه کتاک» دیگر اثر زنده‌گی‌نامه‌ی از این نویسنده آمریکایی است. بورو در «سرعت» سیر تحولی خود را از نوجوانی سرکش تا دستگیری توسط پولیس و اعتیاد در خیابان‌های نیویورک به تصور می‌کشد.

«جوانی بر بادرفته» / لئو تولستوی

«جوانی بر بادرفته» یکی از سه‌گانه زنده‌گی‌نامه‌ی خالق «جنگ و صلح» است که داستان کودکی و نوجوانی تولستوی را به‌خوبی روایت می‌کند. «کودکی» و «جوانی» دو جلد اول و سوم این سه‌جلدی هستند. «لئو تولستوی» نویسنده و نمایش‌نامه‌نویس مطرح روس و خالق شاهکارهایی چون «جنگ و صلح» و «آنکارینا» بود که «فئودور داستایوفسکی» او را بزرگ‌ترین نویسنده معاصر می‌دانست. تولد او در خانواده اشرفی، وی را از دیگر نویسندگان هم‌عصرش متمایز می‌ساخت، اما او پس از کسب شهرت و محبوبیت در اثر انتشار آثارش، سبک زنده‌گی خود را تغییر داد و به ساده زیستن روی آورد. تولستوی در طول دوران حیات ادبی‌اش، ۱۱ رمان و رمان کوتاه، هفت اثر فلسفی، سه نمایش‌نامه و بیش از ۲۵ داستان کوتاه نوشت.

منبع: مد و مه

نوشت. «شهر و ولایت» هم‌چون دیگر آثار این نویسنده، صبغه زنده‌گی‌نامه‌ی دارد، اما پیش از به بلوغ سبک خاص ادبی کرواک خلق شده است. «ولگردی‌های دارما» اما، شرح‌حالی از زنده‌گی دوگانه این رمان‌نویس آمریکایی به حساب می‌آید. کرواک در این کتاب که پس از «در جاده» مهم‌ترین اثر وی که بعدها به فلمی سینمایی هم تبدیل شد به چاپ رسید، به درونیات و فعالیت‌های بیرونی‌اش هم‌چون دوچرخه‌سواری، کوه‌نوردی، جلسات شعرخوانی و رابطه با دیگران پرداخته است.

«گرگ بیابان» / هرمان هسه

«گرگ بیابان» یکی از معروف‌ترین کتاب‌های «هرمان هسه»، نویسنده سرشناس آلمانی و برنده جایزه نوبل ادبیات سال ۱۹۴۶ است. این داستان شبه‌زنده‌گی‌نامه‌ی به صورتی استعاری، روح آسیب‌دیده مردم پس از جنگ، مردم شهرنشین و متمدن را نشان می‌دهد که ناگهان در وجود خود ظهور خوی حیوانی یا مردی گرگ‌صفت را مشاهده می‌کنند. با انتخاب اصطلاح «گرگ بیابان»، کوشش هسه بر این است که وضعیت خاص خویش در جامعه روز را چون گرگی در میان بره‌های اجتماع بورژوازی رها شده نمایش دهد. خالق «سیدارتا»، در این کتاب، قلمش را روی موضوعات اجتماعی و تازه‌ترین مسایل مطرح شده متمرکز کرده است. «هاری هالر»، شخصیت اصلی کتاب، نماد مبارزه با معضلات دهه سوم قرن بیستم است.

«مدار راس سرطان» / هنری میلر

«هنری میلر»، نویسنده آمریکایی بود که به خاطر سنت‌شکنی در نگارش زنده‌گی‌نامه و آثار داستانی بسیار شهرت داشت. میلر «مدار راس‌السرطان» را اولین‌بار در سال ۱۹۳۴ در فرانسه منتشر کرد، اما چاپ آن در آمریکا تا سال ۱۹۶۱ ممنوع بود.

«مدار راس سرطان» / هنری میلر

این شرح حال ادبی یکی از برترین شاهکارهای قرن بیستم

پرونده قهرمان ملی باز گشایی می شود؟

● احمدولی مسعود، رییس عمومی بنیاد شهید احمدشاه مسعود



رییس اجرایی دولت وحدت ملی - در مراسم یادبود از شهدای رویداد بغلان و سال روز شهادت سید مصطفی کاظمی و یارانش - خواستار بازگشایی

پرونده‌های قتل‌های زنجیره‌ای در کشور شده است. این نخستین باری است که یک مقام بلند پایه دولتی، موضوع پی‌گیری پرونده‌ها را به صراحت اعلام می‌دارد که ما به نیابت از بنیاد شهید مسعود، از آن استقبال می‌کنیم. امیدواریم که این پرونده تا آخر خط ادامه یابد و دستانی که نخیه‌گان جهادی و مردمی ما را به شهادت رسانیده اند، آشکار گردد و این راز دولتی از پرده برافتد.

یکی از پرونده‌هایی که ما در همه این مدت دنبالش بودیم و خواستار رسیدگی به آن می‌باشیم، بازگشایی پرونده شهادت قهرمان ملی است که بیش از یک دهه توقف داده شده است. روشن شدن این پرونده‌ها به معنای انتقام جویی نیست؛ بلکه به مفهوم شناخت هویت دشمنان افغانستان می‌باشد که یک ملت را از پشت خنجر زده است.

آنان و حلقاتی که قهرمان ملی کشور را از بین برده اند، در واقع خواسته‌اند مبارزات یک ملت را از بین ببرند، تاریخ آن را مسخ نمایند، هویت و افتخارات آن را محو کنند. بنابراین، مردم افغانستان حق دارند تا بدانند که دشمنان‌شان و دشمنان هستی این سرزمین، کی‌ها هستند.

به منظور رسیده‌گی به پرونده قهرمان ملی که ابعاد بزرگ خارجی دارد، ضرورت است که نخست با ایجاد کمیسیون ملی - رسمی، بتوانیم با هماهنگی با منابع بین‌المللی، به این پرونده و پرونده‌های دیگر از جمله: پرونده شهادت استاد برهان‌الدین ربانی، رییس جمهوری اسبق دولت جمهوری اسلامی افغانستان پرداخت.

قتل‌های زنجیره‌ای و نقش ستون پنجم در داخل دولت، در از بین بردن ستاره‌گان افغانستان که به دفعات به آن تاکید نموده بودیم، یکی از دلایل اصلی سکوت مطلق و مرگبار مسوولین دولت قبلی بوده است.

باید گفت اولین باری که بررسی پرونده شهادت برادر بزرگوارمان، شهید احمدشاه مسعود را، از طریق منابع و مراجع خارجی آغاز نمودیم، متأسفانه پس از مدتی به علت عدم همکاری و عدم علاقمندی دولت افغانستان توقف داده شد و با وجود تقاضاهای مکرر از مقامات مختلف دولتی، در بازگشایی و تعقیب این پرونده، سکوت دایمی و بی‌پاسخی‌شان، تنها توجه و پاسخی بود که در آن زمان یافته بودیم. اما امیدواریم که این بار، در سکوت بی‌پاسخ نماییم.

۱۳ سال گذشته کم‌رنگ بوده و باید مشارکت و نقش آن در دولت وحدت ملی تقویت شود.

رییس جمهور افغانستان ایجاد یک دانشگاه و انستیتوت برای افزایش ظرفیت زنان افغان را از جمله مکانیسم‌هایی خواند که زمینه را برای مشارکت گسترده زنان در این کشور فراهم می‌سازد.

مشارکت زنان طی ۱۳ سال...

اجرای برنامه توانمندسازی زنان افغان با هزینه ۲۱۶ میلیون دالر، خواستار نقش‌دهی بیشتر به زنان نسبت به ۱۳ سال گذشته در عرصه‌های گوناگون شد. اشرف غنی، نقش و مشارکت زنان را در دولت جدید حیاتی خواند و تأکید کرد: نقش و مشارکت زنان در

خواسته‌های نامحدود و امکانات محدود



احمد عمران

گفته می‌شود که خواسته‌های انسان‌ها نامحدود است؛ ولی امکانات همیشه محدود اند. این مساله تعارض ایجاد می‌کند و اکثر تنش‌ها و جنجال‌ها از همین موضوع بر می‌خیزند. در جامعه شناسی مبحثی به این موضوع اختصاص یافته و جامعه شناسان تلاش می‌کنند که چگونه‌گی خواسته‌های انسان‌ها را با امکاناتی که وجود دارند، بررسی کنند. همه در تلاش اند که از امکانات رفاهی و مالی بهتری برخوردار باشند؛ ولی وقتی این خواسته‌ها برآورده نمی‌شوند، سبب تعارض و کشمکش می‌شوند و اختلاف به وجود می‌آید. اکثر جنگ‌ها میان انسان‌ها به دلیل این امر اتفاق افتاده است. در روزهای اخیر بحث تشکیل کابینه مطرح است و یکی از مشکلات آن بر می‌گردد به همین مساله نامحدود بودن و یا بهتر است گفته شود گستردگی خواسته‌ها و محدود بودن پست‌ها. دولت وحدت ملی که میان دو تیم انتخاباتی شکل گرفت متعهد به تقسیم قدرت سیاسی است. در توافقنامه بی که میان رهبران این تیم‌ها امضا شد به صراحت گفته شده که قدرت سیاسی میان دو تیم انتخاباتی تقسیم می‌شود. حالا که دولت وحدت ملی تشکیل شده تقسیم قدرت سیاسی میان دو تیم ظاهراً باعث به وجود آمدن برخی اختلاف‌ها و نظرات متضاد شده است. اصل این اختلافات به همان اصل خواسته‌های نامحدود و امکانات محدود برمی‌گردد. چگونه می‌توان میان این دو امر آشتی به وجود آورد و خواسته‌ها را با امکانات متوازن کرد. در سطح جامعه البته چنین امری با دشواری‌های فراوانی رو به رو است. جامعه شناسان می‌گویند تا زمانی که عقلانیت به درجه بی‌نرسد که انسان‌ها به ناگزیر میان خواسته‌ها و امکانات توازن ایجاد کنند، این تعارض حل شدنی به نظر نمی‌رسد. برخی از

نظریه پردازان سیاسی بحث عدالت و مساوات را مطرح می‌کنند. به باور این دسته از اندیشمندان میان عدالت و مساوات کدام یک ارجحیت دارد؟ برخی‌ها بر مساوات تاکید می‌ورزند و عده‌ی نیز جانبدار عدالت اند. عدالت یعنی در نظر داشتن استحقاق افراد اما مساوات به ایجاد زمینه‌ها توجه دارد که برای همه یک سان در نظر گرفته شوند. این بحث البته در مورد کابینه دولت وحدت ملی نیز صدق می‌کند و گفته می‌شود اختلاف نظر‌ها نیز عمدتاً بر سر همین مباحث ایجاد شده‌اند. آیا فلان وزارت با فلان وزارت دیگر مساوی اند؟ وزارت‌های کلیدی کدام اند و وزارت‌های غیر کلیدی کدام؟ دو طرف قضیه البته در چانه زنی بر سر این مسایل محق‌اند. زیرا کارایی دولت وحدت ملی زمانی می‌تواند به بهترین شکل ممکن محقق شود که دو طرف قضیه عدالت و مساوات را در مورد شان رعایت شده حس کنند. اما رسیدن به چنین وضعیتی کار ساده نیست. تلاش و گفتگو می‌خواهد. کاری که همین لحظه در کمیسیون تشکیل کابینه جریان دارد. اما نکته کلیدی در این امر شناخت وضعیت است. اعضای کمیسیون اگر بخواهند بر سر نوعیت پست‌ها در گیر شوند بدون شک هرگز به تفاهمی قطعی میان شان دست پیدا نخواهند کرد، هرچه برخی از اعضای کمیسیون باور دارند که به زودی برخی نتایج تلاش‌های شان به زودی مشخص می‌شود. از جانب دیگر دولت وحدت ملی در برابر چالش دیگری نیز قرار دارد و آن یافتن افراد شایسته برای سمت‌های در نظر گرفته شده است. چالش اصلی در این مورد زمانی می‌تواند بروز کند که یک تیم بر سر یک فرد به توافق رسیده باشد ولی تیم دیگر آن را شایسته چنین سمتی نداند و به گونه‌های مختلف برای رد آن زمینه‌سازی کند. فراموش نباید کرد که تفاوت دیدگاه در خصوص می

عاملان ترور شهید کاظمی...

پرونده قتل آن‌ها بسته مانده و مشخص نشده است که طرح قتل کاظمی از سوی چه کسانی طرح ریزی و اجرا شده است.

با این حال، عبدالرووف ابراهیمی با شدیدترین الفاظ شهادت کاظمی را محکوم کرد و از دولت جدید این کشور خواست تا عاملان قتل کاظمی را شناسایی و دستگیر کند. به باور ابراهیمی، دشمنان ملت افغانستان با کشتن نخبگان این کشور همانند کاظمی قصد دارند جلو پیشرفت این کشور را گرفته و دست خدمت کاران واقعی را از خدمت به ملت کوتاه کنند.

فضل‌الهادی مسلمیار رییس مجلس سنا نیز که در این مراسم صحبت می‌کرد از دولت وحدت ملی افغانستان خواستار افشای عاملان شهادت سید مصطفی کاظمی شد. مسلمیار در ادامه از استخبارات افغانستان خواست تا عاملان قتل کاظمی را شناسایی کرده و آنان را در محضر مردم به جزای عمل ناجوانمردانه خود برسانند.

رییس مجلس سنا در این مجلس از دولت جدید همچنین خواست که اگر مخالفان مسلح حاضر به مذاکره صلح نمی‌شوند، با قوه قهریه با آنان رفتار شود.

از آغاز کار شورای ملی افغانستان تاکنون ۱۷ عضو این شورا در داخل و خارج افغانستان کشته شده‌اند که تاکنون حتی دلیل حداقل قتل حتی یک نفر از آنان نیز مشخص نشده است.

پکن را در خصوص افغانستان...

همکاری خود با چین در خصوص افغانستان را نیز افزایش خواهد داد تا این دو کشور دست به دست هم بتوانند صلح و ثبات منطقه را حفظ کنند.

وی افزود: پاکستان تمام تلاش خود را می‌کند تا بتواند امنیت کمپانی‌ها و کارگران چینی در این کشور را تضمین کند.

وزارت امور خارجه چین پس از نشست نخست وزیر پاکستان و رییس جمهوری چین در بیانیه‌ای گفت: در این سفر هر دو کشور بیش از ۲۰ توافق نامه امضا کردند از جمله توافق نامیه‌ی در خصوص انرژی اتمی.

فاسدترین و پاک‌ترین...

کاری خویش وارد کرده‌اند، نیز یادآوری نمایم. یکی از این اداره‌ها، ریاست پاسپورت است که آن‌هم تحت قیمومیت وزارت داخله قرار دارد. بامداد دیروز با مراجعه به ریاست پاسپورت، این اداره را یکی از پاک‌ترین و مدرن‌ترین اداره‌های دولتی افغانستان یافتیم. با وارد شدن به دروازه ریاست پاسپورت، با رییس این اداره بر خوردم که به گونه مستقیم از کار کارکنان ریاست پاسپورت نظارت می‌کرد. صدها نفر به این اداره روزانه مراجعه می‌کنند و بدون تأخیر و تعلل، کارها به گونه سریع انجام می‌شود.

سیستم اداری ریاست پاسپورت، مدرن و الکترونیکی است. سیستم اداری مدرن، ریشه فساد و بروکراسی منفی (کاغذپرانی) را از این نهاد برچیده است و سبب عرضه خدمات در کمترین وقت به شهروندان شده است.

حالا وزارت داخله کشور به ویژه رهبری این وزارت باید در راستای اصلاحات در اداره ثبت و احوال نفوس گام بردارد.

رهبری وزارت امور داخله اگر خواهان اصلاحات و تغییر در اداره ثبت احوال نفوس است، حد اقل برای یک بارهم اگر شده به این اداره مراجعه کرده و وضعیت رقت‌بار و ناراحت‌کننده حاکم در آن را مشاهده کند. زیرا فساد در این نهاد سبب بدنامی کل وزارت داخله می‌شود.



تواند به اختلاف‌های تازه دامن زند و یکی دیگر را به تخطی از نورم‌های مثل شایسته سلاری و تعهد متهم سازد. بحثی که چند روز پیش نیز به وسیله ملک ستیز آگاه امور بین الملل مطرح شد، بحثی فربه و قابل تامل است. آقای ستیز در نوشته بی گفته است که کابینه بعدی کابینه تخصصی خواهد بود و یا سیاسی. تا آن جایی که مشخص است برخی سمت‌ها در کشور به گونه عرفی به عنوان سمت‌های سیاسی پذیرفته شده‌اند. وزارت‌ها و والی‌ها عمدتاً پست‌های سیاسی اند ولی هرگز چنین نبوده که در سمت‌های تخصصی افراد غیر متخصص گماشته شده باشند. مثلاً در وزارت صحت همواره کسی وزیر بوده که با طب و طبابت رابطه داشته است و یا بالفعل داکتر طب بوده است. از یکی دو مورد خاص اگر بگذریم در مجموع کابینه‌های افغانستان هر دو بعد مساله یعنی تخصصی و سیاسی چندان به بیراهه نرفته‌اند. اما اصل مهم بر سرمدیریت کلان بوده است. ضعف مدیریت کلان کشور از گذشته‌های دور قوه اجراییه را به مشکل رو به رو کرده است. در دوره آقای کرزی این گونه نبود که وزیران متخصص نبوده باشند. همه نام خدا تخصص داشتند ولی مشکلات شان جای دیگر بود. آقای کرزی به عنوان مدیر ارشد نمی‌توانست کارایی قویه اجراییه را از قوه به فعل آورد. از موضوع اصلی زیاد دور نرویم که همان محدودیت‌ها و خواسته‌هاست. خواست دیگری که می‌تواند در تعارض با محدودیت‌ها قرار گیرد حضور افراد و گروه‌های مختلف در تیم‌های انتخاباتی در زمان مبارزات شان است. در فرهنگ افغانستان این مساله به شدت در تعارض با برخی اصول و ارزش‌های دموکراتیک قرار گرفته است. آن کس که از نامزدی حمایت کرد به اصطلاح معروف که هیچ پشکی در راه خدا موش نمی‌گیرد توقع دارد که در صورت پیروزی موقعیت خوبی در اختیارش گذاشته شود. همین حالا نشانه‌های چنین امری را در برخی گزینش‌های رییس جمهوری می‌توان مثال آورد. مگر چند پستی را که آقای غنی به برخی افراد تفویض کرده بر همین معیار نبوده است؟ عده‌ی به دلیل حمایت خود از نامزدی آقای غنی برخی سمت‌ها را به دست آورده‌اند. نگارنده هم اگر چنین حمایتی را انجام داده بود حالا حتماً متوقع نتیجه آن بود. چنین فرهنگی به شدت ارزش‌های دموکراتیک را صدمه می‌زند و احتمال دارد افراد متخصص و شایسته بی‌زیادی در کشور باشند که با هیچ تیمی نبوده باشند ولی استحقاق خدمت‌گذاری به مردم را داشته باشند.

جایگاه هرات در حکومت وحدت ملی

هرات مرکز ثقل اقتصاد افغانستان



نویسنده: یعقوب مشعوف

منابع عایداتی هرات : عواید گمرک هرات به تفکیک سالها

شماره	سال	عواید به افغانی
1	1381	2409601864
2	1382	2352507090
3	1383	3310548340
4	1384	5544734340
5	1385	5560947859
6	1386	4290559318
7	1387	5168897118
8	1388	9491551592
9	1389	13113414509
10	1390	16928439601
11	1392	13347315766
12	1393	9082707489
	جمع کل	90601224886

افغانستان با تاریخ کهن و جایگاه ویژه‌ای که در جغرافیای سیاسی این منطقه مهم از جهان داشته، در همیشه تاریخ پُر فراز و نشیب خود، تنها مهد تمدن‌های با شکوه که به دستان زحمت‌کش و علم‌پرور آن بنا گردیده است؛ بلکه به عنوان یک منطقه مهم استراتژیک به مثابه حایل یا معبر در لشکر کشی‌های جهان گشایان در تجارت و داد ستدهای فرهنگی بین ملل دنیا نقش عظیمی داشته است و هرات به عنوان بخش جدایی ناپذیر از این جغرافیا، با داشتن ویژه‌گی‌های فوق‌الذکر، سهم مهم در آفرینش تمدن، فرهنگ و اقتصاد این خطه تاریخی گذاشته است.

هرات، در شمار ساحات اداری افغانستان که به ۳۴ واحد منقسم شده و به حیث دومین مکان از نگاه نفوس، اقتصاد و وسعت جغرافیایی اهمیت خاص دارد. هرات، در پهلولی باستانی بودن، فرهنگ غنی و متناسب با مردم خود داشتن، دارای ظرفیت‌های مناسب برای فعالیت‌های اقتصادی اعم از زراعت، تجارت و صنعت می‌باشد.

هرات، با مساحت ۶۳۰۹۷ کیلو مترمربع، آمار رسمی ۱۷۴۴۷۰۰ و غیر رسمی ۲۸۵۰۰۰۰ نفر نفوس را در خود جا داده و از نگاه وضعیت و موقف جغرافیایی با توپوگرافی کوهی و ارتفاع ۹۶۴ متر از سطح بحر دارای ۵۳،۳ فیصد اراضی هموار بوده که از دیدگاه اقتصادی برتری ظرفیت تولید زراعتی را در هم‌ردیفی با قوای بشری و سرمایه می‌تواند داشته باشد. ۷۶ فیصد نفوس هرات مقیم دهات و ۲۴ فیصد آن متوطن شهر اند که می‌شود زمینه خوبی را در انکشاف و رشد سکتور زراعت و تامین حقوق شهروندی ارایه و نمایه داد. هرات دارای ۱۵ ولسوالی، ۱۵ ناحیه شهری و ۲۷۵ گذر در نواحی شهر است

ویژه‌گی خاص اقتصادی هرات:

قرار گرفتن بین دو مرز بین المللی، آسیای میانه و جمهوری اسلامی ایران (بنادر تورغندی و اسلام قلعه) که بر موقف اقتصادی، ترانزیتی و منابع مالی و عواید داخلی آن افزوده و می‌افزاید.

- انتقال مال‌التجاره کشورهای آسیای میانه به پاکستان
- انتقال گاز ترکمنستان به کشورهای جنوب آسیا
- اتصال کشورهای عضو سازمان ایکو به کشورهای عضو

سارک
- انتقال تمامی اموال تجارتری ترانزیتی، بندر عباس، ایران شهر، چاه بهار به جنوب غرب آسیا.

افغانستان به عنوان حلقه وصل چهار منطقه جویولیتیک و جیوایکونومیک بعد از پایان جنگ سرد و تسریع روند جهانی شدن، می‌تواند در منطقه نقش حیاتی بازی نماید و هرات در جایگاه بخش از این منطقه نیز چنین موقعیت را در پیشبرد توسعه و تجارت منطقه و جهان دارد.

عواید گمرک ولایت هرات از سال ۱۳۸۱ تا سال ۱۳۹۳ مبلغ ۷,۶۰۰,۰۰۰,۰۰۰ افغانی بوده که اوسط سال آن ۹۰,۶۰۱,۲۲۴,۸۸۶ (میلیارد) افغانی می‌باشد.

عواید شهرداری
شاروالی / شهرداری هرات منحصیث یک سکتور کاملاً خدماتی که خود تمویل کننده مالی خویش می‌باشد توانسته از بابت صفایی منازل، تکس عراده جات، تهجایی‌ها، تبلیغات، تکس کسبه کاران، خدمات شهری و گمرکی، تکس جواز نامه های صنفی، عواید املاک، هتل پارک، مسلخ، تکس تعمیرات و منازل، جرایم متخلفین و غیره...

شماره	سال	مبلغ
1389	۲۱۵,۳۲۵,۹۰۹.۰۰	۲۱۵,۳۲۵,۹۰۹.۰۰
1390	۶۷۹,۶۴۶,۸۴۲.۰۰	۶۷۹,۶۴۶,۸۴۲.۰۰
1391	۳۹۴,۲۰۴,۹۳۹.۰۰	۳۹۴,۲۰۴,۹۳۹.۰۰
مجموعه	۱,۲۸۹,۱۷۷,۶۹۰.۰۰	۱,۲۸۹,۱۷۷,۶۹۰.۰۰

شاروالی هرات طی سال‌هایی (۸۹-۹۰-۹۱) مبلغ ۱,۲۸۹,۱۷۷,۶۹۰,۰۰۰ افغانی بوده است که متوسط آن ۴۳۰,۰۰۰,۰۰۰ (چارصد و سی میلیون) افغانی در سال می‌شود.

هرات با داشتن اراضی وسیع و نیروی لازمی کار نه تنها می‌تواند در اشتغال‌زایی، مصوونیت غذایی، صنایع داخلی مورد نیاز، سهم بارز در اقتصاد ملی داشته باشد. بلکه با پلان‌گذاری علمی و عمل‌گرا در عرصه صنایع غذایی، میوه جات، به صورت ارزش افزوده نیز می‌تواند نقش مهم در رشد تولید ملی و صادرات داشته باشد. ...
ادامه صفحه ۷

فاسدترین

و پاک‌ترین اداره دولتی

مجتبی امیری

یکی از شعارهای اصلی دولت وحدت ملی، مبارزه با فساد و بروکراسی در نهادهای دولتی افغانستان است. دکتر اشرف غنی و دکتر عبدالله ربه‌ران دولت وحدت ملی، هر دو بر مبارزه جدی در برابر فساد در نهادها تأکید کرده و خواستار اصلاحات سریع و بنیادین در تمامی اداره‌های دولتی شده‌اند.

متأسفانه به دلیل محافظه‌کاری مفرط و ضعف در رهبری دولت پیشین، فساد در تمامی نهادهای دولتی افغانستان ریشه دوانید و به همین دلیل، افغانستان در جمع سه فاسدترین کشور دنیا قرار گرفت.

اکنون، کمتر اداره‌یی را می‌شناسیم که در آن فساد وجود نداشته باشد. اما در بسیاری از این اداره‌ها، نوع فساد زیاد محسوس و آشکار نیست.

این درحالی است که مأموران و کارکنان برخی از اداره‌ها، به گونه مستقیم از مردم و از مراجعین پول و رشوه تقاضا می‌کنند. یکی از این اداره‌های به شدت فاسد، «مرکز ثبت احوال نفوس» واقع در کارته پروان کابل است. این اداره، به گونه قرون وسطایی مدیریت می‌شود و به دلیل بروکراسی وحشتناکی که در آن حاکم است، مراجعین برای انجام یک کار ده دقیقه‌یی، باید ساعت‌ها و حتا روزها پایین و بالا بدونند و سر انجام در بدل پول و رشوه، کارشان انجام شود.

روز گذشته، همانند صدها تن از هموطنانمان، برای تصدیق تذکره تابعیت به این اداره مراجعه کردم. بدون هیچ مبالغه و بزرگ‌نمایی‌یی، این نهاد را که یکی از اداره‌های مربوط به وزارت داخله است، فاسدترین و رسواترین اداره دولتی افغانستان یافتیم.

از راننده‌های این اداره گرفته تا مأموران و... غرق در فساد و رشوه‌ستانی



هستند. کارکنان به خاطر فراهم ساختن زمینه رشوه و گرفتن پول، مراجعین را به ولایت‌های دور دست افغانستان راجع می‌سازند.

بروکراسی بغرنج و پیچیده‌یی که در این اداره حاکم است، همه شهروندان را به ستوه آورده است. در هر غرفه و دفتر فرسوده این اداره، صدها تن صف می‌کشند تا کارشان انجام شود. اما یک دفتر به دفتر دیگر کارها را پاس می‌دهد. فریادهای ده‌ها تن از مراجعین‌کننده‌گان را دیروز گواه بودم. فریادهایی که کسی نیست به آن‌ها گوش بسپارد. در این اداره، کوچکترین اصلاحاتی در سیزده سال گذشته صورت نگرفته است. سیستم مدیریتی و اداری بسیار کهنه و فرسوده اداری در این نهاد حاکم است.

این مقاله در حالی نگاشته می‌شود که وزارت داخله اخیراً در نامه‌یی به اتحادیه ژورنالیستان، برخی رسانه‌ها را متهم ساخته است که تلاش می‌ورزند نهادهای امنیتی را بدنام سازند. من در این مقاله، به دنبال بدنام‌سازی هیچ نهاد و اداره‌یی نیستم. صرف حقایق تلخی را که شاهد بودم، به گوش مقام‌ها و مسوولان می‌رسانم. جا دارد از اداره‌هایی که اصلاحات جدی را در بخش‌های...
ادامه صفحه ۶